

بررسی شبهات سها درباره آیات پیدایش زمین و آسمان

یوسف جمالی*

چکیده

ماده اولیه پیدایش جهان همواره به عنوان پرسش مطرح بوده است. «دکتر سها» مدعی است که قرآن کریم ماده اولیه پیدایش جهان را دود و آب دانسته است و این برخلاف یافته‌های جدید علمی از جمله نظریه «بیگ بنگ» است و پیامبر ﷺ آن را از کتاب‌های گذشتگان دریافت نموده است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مراد از ماء در قرآن می‌تواند اشاره به نقش اساسی آب در حیات موجودات باشد و یا ماده نخستینی که ویژگی آب را داراست و روایات هم آن را تأیید می‌کند و دخان هم به معنای ماده متصاعد از ماده سوختنی است؛ یعنی آسمان از ماده سوختنی ایجاد شده است که این ماده، هر چیزی می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: پیدایش جهان، ماء، دخان، شبهات قرآنی، دکتر سها، بیگ بنگ.

*. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه: yosef_jamali@yahoo.com

مقدمه

در باره ماده اولیه خلقت آسمان دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. علم کیهان‌شناسی نظریات مختلفی را مطرح نموده است که البته هر کدام در حد فرضیه‌هایی هستند که امکان اثبات آن‌ها به عنوان نظریه قطعی ممکن نیست. گرچه قرآن کریم کتاب کیهان‌شناسی و نجوم نیست ولی جهت هدایت بشر- اشارات علمی دارد که ماده اولیه پیدایش آسمان از جمله آن‌هاست.

قرآن کریم در دو آیه به این موضوع پرداخته است که یکی آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (هود: ۷) او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت» و دیگری آیه شریفه «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ (فصلت: ۱۱) سپس به آفرینش آسمان پرداخت، درحالی که به صورت دود بود».

دکتر سها با استناد به برخی یافته‌های علمی مدعی است که این آیات به اشتباه ماده اولیه را دود و آب قلمداد کرده است. اهمیت پاسخ به این شبهه از آن‌روست که در صورت اثبات آن، وحیانی بودن قرآن مورد خدشه واقع می‌شود و دیدگاه اقتباس تقویت می‌گردد. هدف ما در این پژوهش این است که با موشکافی و بررسی پیش‌فرض‌های شبهه به آن پاسخ دهیم تا در نتیجه از طرح شبهات مشابه جلوگیری شود و معنای واقعی آیه که با تکیه بر اصول مسلم تفسیر صورت می‌گیرد به دست آید. در واقع ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیات مرتبط با ماده اولیه پیدایش زمین در تقابل با علم جدید است یا آنکه علم جدید نیز آن را تأیید می‌نماید.

در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است که می‌توان در یافتن پاسخ از آن‌ها مدد گرفت. کتاب‌هایی مانند «الاعجاز العلمی فی اسرار القرآن الکریم و السنه» نوشته محمدحسینی یوسف به صورت گذرا به آن پرداخته‌اند اما دکتر رضایی اصفهانی در کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» با تمرکز بیشتر ابعاد مختلف آن را تشریح نموده است. کتاب «ستارگان از دیدگاه قرآن» نوشته محمد صادقی‌تهرانی نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته است. اخیراً پژوهشگر محترم حجت‌الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی به صورت

تخصصی به آن پرداخته است که مقاله «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم» از آن جمله است. آنچه این نوشته را متمایز می‌نماید کنکاش و بررسی زمینه‌ها و پیش‌فرض‌های حاکم بر این پژوهش است. امروزه پاسخ به شبهات، علمی دارای مختصات خاص به خود است که در این اثر سعی شده است به آن توجه شود.

الف) تحلیل و شناسایی شبهه

درباره ماده اولیه پیدایش آسمان فرضیه‌های مختلفی مطرح شده است که در ادامه خواهد آمد. دکتر سها با انتخاب فرضیه بینگ بانگ، دیدگاه قرآن کریم درباره ماده اولیه پیدایش آسمان را زیر سؤال می‌برد. در قرآن کریم دو آیه به این موضوع پرداخته است. آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود: ۷) او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت» و دیگری آیه شریفه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» (فصلت: ۱۱). سپس به آفرینش آسمان پرداخت، درحالی‌که به صورت دود بود.

دکتر سها درباره این آیات شریفه شبهه‌ای را مطرح می‌نماید و می‌نویسد: «در آیه ۱۱ سوره فصلت گفته شده است که آسمان‌ها قبل از تشکیل شدن، دخان یعنی دود بوده‌اند. این غلطی آشکار است. چون بر اساس آخرین تئوری فیزیک تشکیل جهان از بیگ بنگ شروع شده است؛ یعنی جهان در ابتدا یک توده فوق متراکم از انرژی بوده و هیچ اتم یا مولکولی هنوز به وجود نیامده بوده است. این توده انرژی به حالت انفجارگونه‌ای آغاز به گسترش کرده است و هنوز هم کهکشان‌ها در حال دور شدن از یکدیگرند. در صورتی‌که دود مخلوطی از گازهای منواکسید کربن، دی‌اکسید کربن و مولکول‌های آلی مرکب از کربن و مولکول‌های دیگر است. دود تنها پس از تشکیل گیاهان و مواد آلی چون نفت و سوختن آنان امکان‌پذیر است که فقط در کمتر از یک میلیارد سال گذشته زمین موجود بوده‌اند؛ یعنی حدود ۱۳ میلیارد سال پس از بیگ بنگ و بیش از ۵ میلیارد سال پس از پیدایش منظومه شمسی.

اما این ایده از کجا آمده است؟ با قطعیت نمی‌توان گفت اما می‌دانیم که از هزاران سال قبل از حضرت محمد ﷺ، ایده پیدایش جهان از یک ماده اولیه بی‌شکل (chaos) در

تمدن‌های مختلف مثلاً در یونان باستان در مصر باستان در چین باستان و تمدن‌های باستانی دیگر مطرح بوده است.

و ارسطو حدود هزار سال قبل از محمد ﷺ آن را ماده اولیه (Prima Materia) یا هیولای اولی نامیده است. در ایده ماده اولیه بی‌شکل، تا حدی حقیقت وجود دارد و ایده‌ای معقول است؛ اما حضرت محمد ﷺ در انتقال این ایده به قرآن، این ایده را خراب کرده است و به جای ماده اولیه بی‌شکل، دود به کار برده است. البته این یک خطای انسانی است و قطعاً از خدا نیست. همین شبهه درباره آیه‌ای که ماده اولیه را آب می‌داند هم مطرح است.

ب) واژه‌شناسی

۱. دخان

دُخان، دود و غباری است که با لهیب و شعله همراه باشد. خدای تعالی می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ (فصلت: ۱۱) یعنی آسمان در آغاز خلقتش چون دود و شعله بود. اشاره‌ای است به اینکه منسجم نبوده و برایش تدبیر و امری نشده بود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۱۰). دخان یعنی دود ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا (فصلت: ۱۱) ظاهراً مراد از دخان همان گازهای غلیظ است که از زمین در وقت سرد شدن برخاسته و به تدریج رقیق شده و طبقات جو را ایجاد کرده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳۴).

آنچه از کلام راغب استفاده می‌شود این است که به هر آنچه هنگام سوختن از شیء برمی‌خیزد دخان گویند. ممکن است این ماده دود باشد و یا بخاری که بر اثر حرارت یافتن آب ایجاد شود لذا نمی‌توان مصداق ثابت و معینی برای آن فرض کرد بلکه به اختلاف مورد، معنای دخان هم متفاوت می‌شود.

۲. هیولای اولی (Prima Materia)

ارسطو شاگرد افلاطون می‌گوید جهان از دو اصل مرکب است: «هیولا» ماده قابل انفعال و «صورت» روحی که حرکت و نیرو، از او ناشی می‌شود. این دو به یکدیگر پیوسته‌اند و جدایی‌ناپذیرند (خطیب، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵). هر ماده برای تشخیص پیدا کردن نیازمند به صورت

است و بدون آن فعلیت پیدا نمی‌کند مثلاً چوب به شکل میز درمی‌آید در نتیجه نمی‌توان ماده‌ای یافت که صورت نداشته باشد؛ اما اینکه ماده اولیه قبل از صورت‌گیری به چه شکل بوده است محل سؤال است. ارسطو هیولای اولی را که همان ماده صرف است مطرح نموده است؛ همان‌طور که روشن است هیولای اولی تحقق بالفعل ندارد.

ماده به معنای زمینه پیدایش موجود جدید و پذیرنده فعلیت آن تقریباً مورد قبول همه فیلسوفان است. چنانکه مثلاً آب را ماده بخار و یا خاک را ماده نبات و حیوان یا دانه و هسته گیاه را ماده آن می‌نامند و موجودی که ماده موجودات دیگر باشد ولی خودش از ماده قبلی پدید نیامده به اصطلاح دارای وجود ابداعی و بی‌نیاز از علت مادی باشد را ماده الموات یا هیولای اولی می‌خوانند و اختلاف نظر ارسطویان با دیگران در این است که آیا هیولای اولی جوهر فعلیت داری است که می‌توان آن را نوعی جوهر جسمانی دانست یا اینکه قوه محض و فاقد هرگونه فعلیتی است و ویژگی آن تنها پذیرش صورت‌های جسمانی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۱۹) آنچه از دیدگاه ارسطویان استفاده می‌شود نظریه دوم است.

البته برخی انتساب این نظریه به ارسطو را مورد تردید قرار داده‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۱۹).

۳. عرش

عرش در لغت به معنای تخت حکومت و سلطنت است از این جهت محل نشستن سلطان به اعتبار جایگاه بلند آن عرش گفته می‌شود لذا در آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ» (انعام: ۱۴۱). معروشات باغاتی است که درختان آن به داریست زده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۱۷).

عرش الهی موجود خارجی است و از عالم غیب است و مرکز دستورات عالم است و رشته تدبیر امور جهان به آن منتهی می‌شود و استیلا بر آن علم به تفصیل جزئیات امور جهان و تدبیر کلیه جهان هستی است.

با توجه به آیه «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (زمر: ۷۵) روشن می‌شود که عرش شیء محدودی است، اطراف و جوانب دارد، و ملائکه تسبیح‌کنان در اطراف آن هستند. نمی‌شود گفت عرش تمام جهان هستی است؛ زیرا که ملائکه جزء

جهان هستی‌اند و در حول عرش بودندشان درست نمی‌شود. از طرف دیگر آیه راجع به قیامت و خاتمه کار اهل محشر است و این نشان می‌دهد که عرش در قیامت هم خواهد بود.» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۱۷).

عرش به هر جای بلند گویند لذا به سقف خانه هم عرش گویند به همین مناسبت محل نشستن سلطان را نیز عرش گویند که به جهت کثرت استعمال به مقرر حکومت عرش گویند. اگر در قرآن کریم از عرش سخن گفته شده است به این جهت است لذا تفسیر آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» (سجده: ۴) خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او نیست آیا متذکر نمی‌شوید؟» نیز روشن می‌شود که منظور از ایستادن خداوند متعال تسلط ذات مقدس احدیت بر عرش که مرکز تصمیم‌گیری است.

در روایات هم به عرش به عنوان موجود خارجی اشاره شده است از جمله در ضمن حدیثی از امام علی (ع) نقل شده که به جاثلیق فرمود: «ملائکه عرش را حمل می‌کنند و عرش آن‌گونه که گمان می‌شود مانند تخت و محل نشستن نیست. لکن محدود است و خداوند متعال مالک آن است و قرار گرفتن خداوند متعال بر عرش مانند قرار گرفتن اشیاء بر همدیگر نیست» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۱۶) در واقع تفاوت عرش و کرسی گرچه هر دو به معنای تخت و محل حکومت است این است که کرسی مربوط به مرحله بعد از خلقت است و تنها از جهت اشراف و احاطه است و در حقیقت استمرار حکومت و سلطنت است و نه ایجاد آن اما عرش مربوط به مرحله ایجاد است تا اینکه در ایجاد آن تدبیر لازم به کار برده شود. عرش عبارت است از تجلی صفات ذاتیه خداوند متعال مانند حیات و علم و قدرت و اراده و اما کرسی علم محیط است.

۴. بیگ بنگ (مه بانگ)

در کنار فرضیه‌های پیدایش جهان مانند حالت پایدار فرد هویل اختر فیزیک شناس انگلیسی و فرضیه جهان پلاسما هانس آلفون دانشمند سوئدی و فرضیه کهبانگ، فرضیه بیگ بنگ از شهرت بیشتری برخوردار است.

این نظریه از سال ۱۹۰۰ م پیشنهاد شد و هم‌اکنون از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان

بهترین نظریه موجود تلقی می‌شود. خلاصه این نظریه آن است که حدود ۲۰ بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان، در نقطه‌ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است این نقطه کوچک و بی‌نهایت چگال و مرکب از ماده و انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتش‌گویی، ماده و انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی، احتمالاً چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته‌اند (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

ج) پیش‌فرض‌های شبهه

این شبهه مانند دیگر شبهات دارای پیش‌فرض‌هایی است که زمینه فکری آن را فراهم نموده است. ۱. ایده خلقت جهان از ماده اولیه در یونان و مصر باستان وجود داشته است و ارسطو آن را (Prima Materia) هیولای اولی نامیده است.

۲. منظور از آب، ترکیب اکسیژن و هیدروژن است و چگونه می‌شود ماده اولیه خود از مواد دیگر ایجاد شده باشد.

۳. جهان به واسطه بینگ بانگ ایجاد شده است و ماده اولیه آن در ابتدا یک توده فوق متراکم از انرژی بوده و هیچ اتم یا مولکولی هنوز به وجود نیامده بوده است. این توده انرژی به حالت انفجارگونه‌ای آغاز به گسترش کرده است و هنوز هم کهکشان‌ها در حال دور شدن از یکدیگرند و این برخلاف دیدگاه قرآن است که ماده اولیه را دخان می‌داند. منظور از دخان دود برخاسته از ماده سوختنی مانند چوب است. دود مخلوطی از گازهای منواکسید کربن، دی‌اکسید کربن و مولکول‌های آلی مرکب از کربن و مولکول‌های دیگر است.

د) بررسی پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض اول

ایده خلقت جهان از ماده اولیه در یونان و مصر باستان وجود داشته است و ارسطو آن را (Prima Materia) نامیده است؛ حضرت محمد ﷺ نیز ایده خلقت جهان از دود را از آن‌ها گرفته است.

بررسی

در مفهوم شناسی گذشت که این انتساب به ارسطو قطعی نیست اگر هم بپذیریم هیولای اولی ماده نیست تا بتوان آن را ماده اولیه خلقت پنداشت. هیولای اولی تحقق بالفعل ندارد. این پیش فرض که به نظریه اقتباس معروف است مبنای بسیاری از شبهات است که به بررسی آن خواهیم پرداخت. ادله ای وجود دارد که این فرضیه را رد می نماید.

الف) اذعان برخی از اندیشمندان غربی به منشأ وحیانی بودن قرآن

در میان دانشمندان غیرمسلمان برخی افراد منشأ قرآن را وحی می دانند و این نشان از بطلان مصادر غیر وحیانی از جمله علوم متداول زمان پیامبر اسلام ﷺ دارد. یکی از این افراد دکتر جرنیه فرانسوی است که در این باره می نویسد: «من تمام آیه های قرآن را که در زمینه علوم طبیعی بهداشت و طب بودند مطالعه کردم و آنها را مطابق دقیق ترین قانون های علوم طبیعی و پیچیده ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا هیچ کسی بر روی زمین از آن قوانین و اصول آگاه نبود پس به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم» (مؤدب و دانشگر، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

ب) اعجاز علمی قرآن و مخالفت با برخی یافته های علمی زمان نزول

قرآن در چهارده قرن قبل، در سرزمین عربستان، مطالبی در مورد آسمان ها، زوجیت گیاهان، حرکت خورشید، زمین و... بیان کرده که امروز پس از هزار و اندی سال، دانشمندان علوم تجربی به حقانیت آن ها پی برده اند و جالب این است که بسیاری از نظرات قرآن، در محیط های علمی آن زمان (مانند تمدن ایران، روم و یونان) قابل قبول نبوده؛ چراکه هیئت بطلمیوسی حاکم بر افکار دانشمندان نمی پذیرفت که زمین حرکت کند و حتی گالیله را، به جرم چنین سخنی (قرن ها پس از بیان قرآن) محاکمه و محکوم کردند (سرفرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۶).

ج) بهره مندی برخی دانشمندان از پیامبران قبل از خود

پیشرفت بسیاری از علوم و پدید آمدن دانشمندان بزرگ، پس از وجود پیامبران الهی بوده است و حتی برخی معتقدند که بزرگ فیلسوفان یونان؛ مانند سقراط، افلاطون و... علوم خود را از پیامبر زمان یا پیامبر قبل از خود برگرفته اند و پس از بعثت پیامبر اسلام و نیز در زمان امامان معصوم علیهم السلام و پس از آنان نیز این مطلب بسیار روشن است؛ زیرا علومی که

مربوط به حوزه فرهنگ و ادب عرب می‌شود، علم شیمی، ریاضی و... از آن زمان بوده و پس از آنان نیز، افرادی؛ مانند فارابی، بوعلی سینا، محمدبن زکریای رازی کاشف الکک، و... که جهان امروز وامدار آن بزرگ‌مردان اندیشه است از میان حوزه‌های دین برخاسته‌اند (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۳۳۱) لذا با توجه به منشأ وحیانی هر دو ممکن است مشابهت‌هایی بین دیدگاه‌های علمی دانشمندان زمان نزول و قرآن کریم باشد و این مشابهت دلالت بر اقتباس نمی‌کند.

د) غیر متمدن و بی‌سواد بودن مردم جزیره العرب در زمان نزول

به تصریح تاریخ در جامعه آن روز افراد باسواد و درس‌خوانده بسیار اندک بودند حتی در شهرهای منطقه حجاز یعنی مکه و مدینه تعداد افراد باسواد بسیار محدود گزارش شده است. آن‌ها نه تنها خواندن و نوشتن نمی‌دانستند بلکه گاهی آن را ننگ می‌دانستند لذا طبیعی است که تا حد زیادی از علوم و معارف بی‌نصیب باشند (رضایی اصفهانی و بخشایشی، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

ح) امی بودن پیامبر اسلام ﷺ و سواد نداشتن ایشان

پیامبر اسلام درس‌خوانده نبودند و سواد نوشتن نداشتند (رنانی، ۱۳۹۱، ص ۴۵) برای استفاده از علوم زمان نزول پیامبر اسلام باید خود درس‌خوانده باشند و با کتب و دیدگاه‌ها و کتب دانشمندان آشنا باشند درحالی‌که ایشان امی و درس‌نخوانده بودند.

ط) عدم ارتباط اعراب در زمان نزول با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

ارتباطات اعراب در زمان نزول با دیگر فرهنگ‌ها وجود نداشت. تنها ارتباط تجاری بود و در این دادوستد تجاری، امکان انتقال علوم از یونان ایران و مصر- و سایر نقاط ممکن نبود. ارتباطات علمی با رومیان و ایرانیان پس از فتوحات یعنی در دوره بنی‌امیه و مخصوصاً در دوره بنی‌عباس آغاز شده است (رضایی اصفهانی و بخشایشی، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

پیش‌فرض دوم

منظور از آب، ترکیب اکسیژن و هیدروژن است و چگونه می‌شود ماده اولیه خود از مواد دیگر ایجاد شده باشد.

پروسی

آنچه از آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ» به دست می‌آید این است که خلقت مادی آسمان و زمین مراد است و ضمیر در عرشه به خلق برمی‌گردد و این بنای رفیع بر آب استوار شده است. کما اینکه در آیه وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ هم به آن تصریح شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۲۲). یا می‌توان به قرینه آیه دوم گفت که منظور موجودات زنده است که از آب خلق شده‌اند. در آیه «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» آمده است که ماده اولیه خلقت آب است. علامه طباطبایی (رحمه الله) در این باره می‌فرماید: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» جمله‌ای حالیه است و معنای مجموع آیه این است که خدای تعالی در وقتی و در حالی به خلقت آسمان‌ها و زمین پرداخت که عرشش بر آب بود و بر آب بودن عرش کنایه است از اینکه مالکیت خدای تعالی در آن روز مستقر بر این آب بود که گفتیم ماده حیات و زندگی است، چون عرش و تخت سلطنت هر پادشاهی عبارت است از محل ظهور سلطنت او و استقرار پادشاه بر آن محل به معنای استقرار ملک او بر آن محل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۵۱)؛ اما ممکن است برخی مستقیماً از آب ایجاد شده باشد و برخی به واسطه و دخالت آب مثلاً آدم از ترابی خلق شد که از آب ایجاد شده بود (رازی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۰۹). «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يَصْرونَ» (سجده: ۲۷) زمین قبل از نزول باران مرده بود و با آمدن باران زنده شد و یا آیه «اعلموا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید: ۱۷) و یا آیه «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ»؛ «خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید»؛ البته می‌توانیم بگوییم درباره جنبندگان مراد از ماء نطفه است و می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا»؛ «او کسی است که از آب انسانی را آفرید». که بیانگر صورتگری خلقت انسان از آب است و اشاره به آغاز حیات دارد که از آب ناشی شده است. همان‌طور که به نقش خاک هم اشاره دارد «فَلَمَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» (حج: ۵). می‌توان گفت اساس موجودات زنده از پروتوپلاسم است که وجود آن به آب بستگی دارد (شادی، [بی‌تا]، ص ۱۳۵).

این یک برداشت از آیة شریفه است و شاید بتوان گفت ماده اولیه که جهان از آن ایجاد شد چیزی شبیه به آب و با دارای ویژگی آب بوده است. روایات تصریح دارند که ماده اولیه

آب بوده است اما نوع بیان نشان می‌دهد این آب غیر از آب دریاها و رودخانه‌ها بوده است. در روایات اولین مخلوق آب دانسته شده است. محمد بن سنان از امام صادق علیه السلام در رابطه با اولین مخلوق خدا سؤال کرد. حضرت فرمود اول چیزی که خداوند متعال خلق کرد همان چیزی است که همه چیز از آن خلق شد. گفتم جانم به فدای شما آن چیست؟ فرمود آب (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴۰). روایت دیگر امام رضا علیه السلام از امام حسین علیه السلام که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ به سؤال شامی از اولین مخلوق خداوند متعال فرمود: اول مخلوق نور بود. سؤال کرد آسمان‌ها از چه خلق شد؟ فرمود از بخار آب. سؤال کرد زمین از چه خلق شد؟ فرمود از کف آب. سؤال کرد کوه‌ها از چه خلق شد؟ فرمود از امواج. (همان، ج ۱۰، ص ۷۶) البته در روایات اولین مخلوق، نور پیامبر صلی الله علیه و آله (همان، ج ۱، ص ۹۷) و قلم (همان، ج ۵۴، ص ۳۱۳) و نور و عقل (همان، ج ۵۵، ص ۲۱۲) و حوت (همان، ج ۵۷، ص ۹۳) هم آمده است.

این روایات نشان می‌دهد آب در آیه شریفه اگر به معنای ماده اولیه خلقت باشد آبی غیر آب آشامیدنی است. آیت الله مکارم شیرازی درباره این آیه می‌نویسند: «با آنچه در تفسیر آیه ۷ هود در تفسیر نمونه گفته شده است می‌توان گفت که در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بود (یا گازهای فوق‌العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت)؛ «مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶». برخی معتقدند مقصود از ماء همان آب آشامیدنی است ولی نه به حساب حالت ترکیبی بلکه از لحاظ دو اتم اکسیژن و هیدروژن، به این معنی که: مادر جهان خلقت اتم اکسیژن و هیدروژن بوده و سایر اتم‌های عالم از پیوند و یا گسیختگی این دو پدید شده مثلاً از پیوستن دو اتم هیدروژن و اکسیژن آب معمولی پدید شده است و در اثر انفجار هریک از این دو اتم و تغییر فواصل و تعداد الکترون‌ها و پروتون‌ها، سایر اتم‌ها به وجود آمده‌اند؛ پس آنگاه از ازدواج گوناگون اتم‌ها تمامی عنصرهای رنگارنگ پدید گشته است (صادقی‌تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

پیش فرض سوم

جهان به واسطه بینگ بانگ ایجاد شده است و ماده اولیه آن در ابتدا یک توده فوق متراکم از انرژی بوده و هیچ اتم یا مولکولی هنوز به وجود نیامده بوده است. این توده انرژی به

حالت انفجارگونه‌ای آغاز به گسترش کرده است و هنوز هم کهکشان‌ها در حال دور شدن از یکدیگرند و این برخلاف دیدگاه قرآن است که ماده اولیه را دخان می‌داند. منظور از دخان دود برخاسته از ماده سوختنی مانند چوب است. دود مخلوطی از گازهای منواکسید کربن، دی‌اکسید کربن و مولکول‌های آلی مرکب از کربن و مولکول‌های دیگر است.

بررسی

فرضیه بیگ بنگ بر دو رکن استوار است یکی آنکه ماده اولیه دارای چگالی و انرژی زیادی بوده و دیگری آنکه جهان در حال توسعه است. ما به دنبال آن نیستیم که بگوییم قرآن کریم هم همین ادعا را دارد کما اینکه بسیاری از فرضیه‌ها به نظریه تبدیل نمی‌شوند و عملاً قابل اثبات نیستند و یا خلاف آن‌ها ثابت می‌شود؛ اما در رابطه با ماده اولیه که تعبیر قرآن دخان است «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» باید گفت همان‌طور که در مفهوم‌شناسی گذشت مراد از دخان دود عادی نیست و شاید چیزی شبیه به دود یا دارای شباهت به آن بوده است کما اینکه مفسرین و اندیشمندان دینی نیز چنین دریافتی ندارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- منظور از دخان چیزی شبیه به دود است چون اگر دخان را به معنای دود بگیریم لازمه آن وجود آتش است در حالی که هنوز خلق نشده بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۹۸).

- جمله «هی دخان» یعنی آسمان‌ها در آغاز به صورت دود بود و این نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۲۸).

با توجه به واژه‌شناسی، دخان به معنای متصاعد از «ماده» سوختنی است اما اینکه ماده اولیه از هیدروژن و اکسیژن است از ظاهر آیه به دور است و یا اینکه دود ناشی از سوختن بوده غیرقابل پذیرش است؛ زیرا هنوز آتش خلق نشده است؛ اما یک ویژگی در دود وجود دارد که از ماده سوختنی بلند می‌شود و این سازگار با انفجار ادعایی دانشمندان است

اما در رابطه با توسعه و گسترش دنیا قرآن کریم تعبیر «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا

لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷) دارد. آیت الله مکارم شیرازی ذیل آیه شریفه می نویسد: «با توجه به کشفیات اخیر دانشمندان در مسئله گسترش جهان که از طریق مشاهدات حسی نیز تأیید شده است معنی لطیف تری برای آیه می توان یافت و آن اینکه خداوند آسمان ها را آفریده و دائماً گسترش می دهد. علم امروز می گوید: نه تنها کره زمین، بر اثر جذب مواد آسمانی تدریجاً فربه و سنگین تر می شود، بلکه آسمان ها نیز در گسترش اند، یعنی ستارگانی که در یک کهکشان قرار دارند به سرعت از مرکز کهکشان دور می شوند، حتی سرعت این گسترش را در بسیاری از مواقع اندازه گیری کرده اند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۲۳) دکتر موریس بوکای صراحتاً اعلام می دارد که آیه شریفه به انبساط عالم اشاره دارد (بوکای، ۱۳۶۵، ص ۲۲۵). دکتر رضایی اصفهانی معتقد است با توجه به اینکه این مطلب علمی در صدر اسلام برای مردم و دانشمندان نجوم روشن نبوده است و حتی تا قرن هفدهم دانشمندان بزرگی مثل نیوتن متمایل به دیدگاه ایستا بودن جهان و انقباض آن داشته اند، پس می توانیم بگوییم که این رازگویی قرآن که با جدیدترین یافته های علوم تجربی مطابق است عظمت قرآن و پیامبر ﷺ را می رساند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷).

جمع بندی

از بررسی پیش فرض های شبهه روشن شد که اولاً ایشان مفهوم هیولای اولی را متوجه نشده است و هیولای اولی را ماده بی رنگی تصور نموده است درحالی که هیولای اولی اساساً ماده بالفعل نیست و اساساً اقتباس در قرآن به معنای آنکه قرآن کریم وحیانی نیست و انعکاس یافته های علمی گذشتگان است، صحیح نیست؛ اما آنکه گفته شد مراد از ماء در آیه «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» آب آشامیدنی است و این برخلاف یافته های علمی است نیز صحیح نیست؛ زیرا اگر عرش را به معنای محل تدبیر عالم فرض کنیم، نقش آب در حیات و زندگی موجودات بر کسی مخفی نیست کما اینکه در آیه «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ»؛ «خداوند هر جنبه ای را از آبی آفرید» نیز به آن تصریح شده است؛ اما اگر گفته شود که مراد ماده اولیه خلقت است که در روایات هم انعکاس داشته است باید گفت یقیناً این آب غیر از آب معمولی است. لذا آسمان با این ستارگان در آغاز از زبانه های آتشی پدید شده که از ماده ای بنام (ماء) شعله زده، و روی این اصل ماده اصلی جهان آن چنان منفجر گشته که این گونه گازهای داغ از آن برخاسته است.

از اینجا می‌توان فهمید که ماء در آیه گذشته همین آب معمولی آشامیدنی مرکب از یک اتم اکسیژن و دو اتم هیدروژن (H_2O) نیست؛ زیرا آب در بیش از صد درجه حرارت به کلی تبدیل به بخار می‌شود، و حرارت بخار آب نیز چندان بیش از این اندازه‌ها نیست، وانگهی آب در حالت غلیان تولید آتش و زبانه نمی‌کند، تا چه رسد که از این زبانه دود و گاز تولید گردد (صادقی‌تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

کما اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم در پاسخ به مرد شامی بر همین تأکید دارد؛ اما در رابطه با آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ» باید گفت دخان در کتب لغت به معنای ماده متصاعد از سوختنی است. حال اگر این ماده سوختنی آب باشد ماده متصاعد بخار آب خواهد بود. حتی اگر فرضیه بیگ بنگ و توسعه جهان را بپذیریم منافاتی با این آیه شریفه ندارد؛ زیرا آیه السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (ذاریات: ۴۷) تأکید دارد که ما درحال توسعه دنیا هستیم درحالی‌که تا سال‌ها نیوتن معتقد به ایستایی دنیا داشت. البته ناگفته نماند همه این‌ها در حد احتمال است و اصول تفسیر بر پایه یافته‌های قطعی است. مسلماً هیچ علمی امروزه قادر به پاسخ این سؤال نیست که ماده اولیه چه بوده است و چگونه شکل گرفته است و آنچه در علم کیهان‌شناسی آمده در حد فرضیه است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. بوکای، موريس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح‌الله دبیر، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۲. خطیب، عبدالغنی اسدالله، قرآن و علم امروز، چاپ دوم، تهران: عطایی، ۱۳۸۱.
۳. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۴. رازی، محمد بن ابی‌بکر، أسئلة القرآن و اجوبتها، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۳ ق.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ق.
۷. سرفرازی، عباسعلی، علم و دین، چاپ چهارم، قم: چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۸. شادی، محمد ابراهیم، اعجاز القرآن و منهج البحث عن التميز، عربستان: مكتبة جزيرة الورد، [بی‌تا]
۹. صادقی‌تهرانی، محمد، ستارگان از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، تهران: امید فردا، ۱۳۸۰.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسن، التوحید، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. علوی‌مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱.
۱۳. فضل‌الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالملک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.



۱۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر فونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۸. مؤدب، سید رضا و مجید دانشگر، «قرآن از نگاه دانشمندان غربی»، نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۶۱-۷۱.

